



به مناسبت برگزاری هزارمین جلسه هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران:

## ۱۱ سال از ۵۷ سال؟!

تهیه و تنظیم: حبیب کریمی  
روزنامه‌نگار و کارشناس حقوقی

و اشتراک و صفحه‌آرایی و صحافی و ... منتشر می‌نماید، بار دیگر شامل حل من شد. از سال ۱۳۷۸ تاکنون با ایشان و از زمان شکل‌گیری هیئت مدیره جامعه متخصصین نساجی ایران و سپس انتشار ماهنامه نساجی امروز آشنا و قرینیم، اما مع‌الاسف به‌علت فوق نتوانستم در جشن هزارمین نشست هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران به‌عنوان پرسنل سابق انجمن و مجله صنعت نساجی و پوشاک شرکت نمایم.

گزارش کامل و جامع تصویری و تحریری این جشن را که به ضرس قاطع می‌دانم توسط همکار محترم خانم بیانی تهیه و تنظیم شده بود را خواندم و از این که ۱۱ سال در این نهاد به‌عنوان محرر انجمن در همه زمینه‌ها و همکار تحریری در مجله صنعت نساجی و پوشاک قلمفرسایی نمودم، بر خود (اگر حمل بر خودشیفتگی نشود) بالیدم، چرا که هر چند خود یک نساج زاده‌ام و مادر فقیدم در کودکی

و نازنین، مهندس امامی رئوف در مقدمه مقاله «بازخوانی یک گزارش پس از ۳۳ سال» که باز نشر متن مصاحبه من با دکتر پرویز نورپناه و دکتر میرهادی سید اصفهانی (منتشره در سال ۱۳۵۶) چنین مرقوم داشته بود: «چندی پیش، حبیب کریمی، همکار مطبوعاتی‌مان که از پرسنل زحمتکش انجمن صنایع نساجی ایران و مجله صنعت نساجی و پوشاک بودند و هستند، دست‌نوشته‌هایی از خود را تحت عنوان «مروری بر تاریخچه صنعت نساجی ایران» برای ما ارسال نمود که ماحصل مصاحبه وی با دکتر نورپناه و دکتر میرهادی اصفهانی تحت عنوان «مدیریت بهتر، تولید بیشتر» است» و چاپ مجدد آن را پس از ۳۳ سال خالی از لطف ندیدم.

آن روز لطف این جوان رعنا، برومند و برنا که مشتاقانه و با علاقه، مجله نساجی امروز را با تمام سختی‌ها اعم از گرانی کاغذ و فیلم و زینک و چاپ

دوست خوب، اندیشمند و جوانسال، مهندس سید شجاع‌الدین امامی رئوف- صاحب امتیاز و مدیرمسئول مجله نساجی امروز- که هراز گاهی نوشته‌های من را باعنوان روزنامه‌نگار و کارشناس حقوقی در مجله پربار، غنی و سرشار از اطلاعات و آموزه‌های خواندنی نساجی در زمینه‌های مختلف اعم از گزارش، مصاحبه، اظهارنظر و شرح‌خاطرات نساجان موفق منتشر می‌کند، قبل از برپایی آئین ضیافت انجمن صنایع نساجی ایران، تلفنی با بنده تماس حاصل و دعوت نمود تا به لحاظ حضور یازده ساله‌ام در انجمن صنایع نساجی ایران و این که غالباً صورت‌جلسات هیئت مدیره و کمیته‌های مختلف انجمن را نوشته‌ام، در ضیافت مزبور شرکت نمایم اما به دلیل داشتن وقت چشم‌پزشکی و سپس دعوت قبلی دخترم جهت رفتن به منزل وی، نتوانستم در این مراسم حضور پیدا کنم. در همان لحظات به یاد آوردم که دوست خوب



و نوجوانی و حتی همسراری، به بافت قالی می پرداخت و در مهد نساجی ایران-کاشان- چشم به دنیا گشوده‌ام، از ۵۲ سال قبل تاکنون به لحاظ همکاری با مطبوعات در زمینه صنعت نساجی در رسانه‌های نوشتاری و دیداری، مطالب بسیاری نوشته‌ام و برنامه داشته‌ام، اما در طول ۱۱ سال حضور در انجمن صنایع نساجی ایران با مدیران، فعالان، جوانان و تلاشگران نساجی از نزدیک آشنا بودم و از صبح علی‌الطول البته از ساعت ۹ صبح به بعد که بسیاری از اوقات مورد انتقاد دوست گرانمایه آقای مهندس بصیری که دبیر وقت انجمن بود و از دیرکرد بامدادی‌ها م کلافه می‌شد، قرار می‌گرفتم تا پاسی از شب و هنگام تشکیل مجامع عمومی اوقاتم را طی می‌نمودم، در طول این سال‌ها با مهندس امامی رئوف، مهندس سیدمحمد مقدسی و جوانان برومند بسیاری آشنا شدم که درصدد تشکیل جامعه متخصصین نساجی بودند اما جایی نداشتند تا نقطه نظرات خود را اعلام کنند و پایه و اساس جامعه را پی‌ریزی کنند. آنان با استقبال مهندس بصیری مواجه شدند و وی اتاق خود را در اختیار ایشان می‌گذاشت تا ساعت‌ها در آنجا باشند و خود به اتاقکی در ضلع جنوب غربی محل سابق انجمن -کوچه کندوان، پلاک ۵- ساختمان‌ی که تشکیلات نساجی مازندران، چهار طبقه آن را در اختیار داشت، می‌آمد تا این جوانان بدانند پشتوانه‌ای دارند و آینده انجمن صنایع نساجی ایران برای اداره امور این نهاد در اختیار آنها خواهد بود.

بلی! در طول سال‌های حضور در انجمن، شاهد تلاش بی‌وقفه مهندس بصیری که همراه و قرین او در حذف کارمزد استاندارد انواع محصولات نساجی که موسسه استاندارد اصرار بر دریافت آن داشت، لغو دریافت ۲ درصد آموزش و پرورش، عدم پرداخت یک هزارم محصولات صنایع نساجی به سازمان تربیت بدنی، پیگیری مستدام برای تشکیل نشست‌های هیئت مدیره انجمن و کمیته‌های تخصصی آن در محل فعلی انجمن بودم. آن

اطراف طی کرده بودم- . برخورد نامطلوب مهندس سید ابریشمی معاون سابق وزیر صنعت و رئیس وقت موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران با تعدادی از اعضای هیئت مدیره که به دیدار او رفته بودیم، وی از مقالات مهندس بصیری و گزارش من از موسسه استاندارد-واقع در خیابان ولیعصر، کوچه نزدیک پمپ بنزین خیابان زرتشت- که آسانسور نداشت و قوانین و مقررات مربوط به استاندارد وضع می‌کند و ... دل خوشی نداشت. خاطره بسیار و مجال اندک است. به خصوص صفحات مجله نساجی امروز که باید مطالب فنی و علمی در آن ارجح بر مطالب من باشد اما اقدام مهربانانه، دوستانه و صمیمانه دوست جوانسالم مهندس امامی رئوف که از من برای حضور در جشن هزارمین نشست انجمن صنایع نساجی ایران به‌عنوان یکی از پرسنل قدیمی این نهاد با ۱۱ سال سابقه فعالیت دعوت کرد، مرا بر آن داشت تا چند سطر بنویسم با یادی از کسانی که در طول ۱۱ سال هر هفته با آنها قرین و همکلام بودم و اینک نیستند، مرحوم محمد فرقانی و مرحوم حسن سمائیان...

از اولین‌های هیئت مدیره انجمن آقای کسائیان را به یاد می‌آورم که در کمیته تخصصی فاستونی انجمن حضور می‌یافت و قس علی‌هذا... باقی بقای همه نساجان محترم و خوانندگان معظم مجله نساجی امروز

ایدون باد

زمان، ساختمان فعلی دارای مجوز مسکونی بود و به همین دلیل شهرداری گهگاه آن را مهر و موم می‌کرد و بسیاری از جلسات هیئت مدیره در دفتر فرش مشهد و پتوی مهرگان و یا در شرکت‌های عضو انجمن تشکیل می‌شد. نامه‌نگاری‌های متعدد به شهرداران وقت و مراجعات مکرر من به شهرداری منطقه ۳ باعث شد نزد متصدیان شهرداری به «آقای نساجی باز آمد»، مشهور شوم! بازسازی هنرستان صنعتی بم پس از زلزله مهیب بم با همت عالی اعضای انجمن و حتی جمع‌آوری مبالغی برای خرید محل فعلی انجمن از اعضاء، سفر به تبریز (به دعوت آقای زینی)، اصفهان، یزد طی دو بار همراه خانم گلنار نصرالهی که مورد جالبی در این سفر برابم پیش آمد. طی اولین سفر به یزد، صبح زود به استانداری رفتیم و هنگام صرف صبحانه در سفره گسترده‌ای ظرف ماست دیدم و مهندس علی محمد شریفی - پیشکسوت صنایع نساجی ایران- در برابر پرسش من که چرا ماست سر سفره صبحانه قرار دارد، گفت: این رسم ما یزدی‌هاست! یا سفر به شه میرزاد و کاشان طی دو بار همراه همشهری‌ام مهندس مصطفی حکیمی و بار دیگر با هیئت مدیره و پذیرایی مفصل محمود تولایی عزیز که اینک رئیس اتاق بازرگانی کاشان است از هیئت مدیره و خانم نصرالهی در غذاکده حمام سنتی سلطان میراحمد کاشانی که دوران طفولیت و خردسالی‌ام را در آن